

نگاهی مختصر از منظر تجزیه و تحلیل نقادانه ی کلام به اندیشه های تی اس الیوت در "برنت نورتون"

دکتر فاضل اسدی امجد^۱

حسن منصورکیائی^۲

چکیده

بعضی از اندیشه ها و افکار تی اس الیوت در "برنت نورتون" ("Burnt Norton") نهفته و پوشیده مانده است، و برای یافتن آن اندیشه ها و افکار می توان از دیدگاه های نو به نکات جدیدی پی برد و پرده از بعضی از مجهولات این شعر برداشت. برای یافتن و گره گشایی از این افکار از ابزارهای گوناگونی می توان بهره برد، که در این مقاله سعی شده است با استفاده از تجزیه و تحلیل نقادانه ی کلام (CDA)، به موشکافی و بررسی "برنت نورتون" و به ویژه افکار الیوت در آن پرداخت. این مقاله بعضی از نکات برجسته و مهمی که در لابلای خطوط این شعر نهفته است، را آشکار کرده و به بررسی آن افکار می پردازد. استفاده ی شاعر از بعضی عبارات ها و جملات نشان دهنده ی اندیشه ای خاص در پس این جملات می باشد، البته شاعر با زیرکی و با بکارگیری توانایی های شعریش به این مهم دست یافته است و خواننده یا شنونده را ناخواسته در موقعیت پذیرش مطالب نهفته در شعر، قرار می دهد. می توان اینگونه بیان کرد که خواننده یا شنونده ی شعر از این حالت که ناخواسته در وضعیت پذیرش یک اندیشه قرار دارد، ناآگاه است. در نتیجه، با بکارگیری روش تجزیه و تحلیل نقادانه ی کلام می توان به این موقعیت های ناخواسته پی برد و آن اندیشه ها را یافت.

کلید واژه ها:

ابهام (Vagueness)، تجزیه و تحلیل نقادانه ی کلام (Critical Discourse Analysis)، تعمیم (Generalization)، دو دستگی، گروه بندی ما- آنان (Polarization, us – them Categorization)، نفوذ (Authority)

۱ - دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران

۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد کرج)

مقدمه

شعر "برنت نورتون" («Burnt Norton») به عنوان اولین شعر از چهار گانه (Four Quartets) اثر تامس استرنز الیوت (Thomas Stearns Eliot) اهمیت ویژه‌ای دارد. این شعر در اواسط دهه‌ی ۱۹۳۰ نوشته شده است. البته آغاز این شعر به زمانی باز می‌گردد که الیوت در حال نوشتن نمایشنامه‌ی قتل در کلیسای جامع (Murder in the Cathedral) بود. در این زمان هنرپیشه و کارگردانی به نام مارتین براون (Martin Brown) در اصلاح و ویرایش این نمایشنامه به او کمک می‌کرد تا نمایشنامه به شکل دیالوگی یک سویه، مانند اشعار الیوت که معمولاً در آن اشعار، تنها گوینده با حالت یک سخنران یا خطیب به بیان نظرات و افکار خود می‌پردازد، نگردد. در یکی از این اصلاحات، بخشی از نمایشنامه‌ی قتل در کلیسای جامع حذف گردید و آن زمانی بود که وسوسه‌ی اول بعد از تلاش ناموفق خود صحنه را ترک می‌کند. در این زمان است که کشیش دوم وارد می‌شود و می‌گوید "زمان کنونی و زمان پیشین / ... شاید که هر دو در زمان آینده حاضرند." مارتین براون این قسمت از نمایشنامه را حذف کرد، در حالیکه بی‌ارتباط به محتوای نمایشنامه نبود. الیوت این خطوط را به طور کلی فراموش نکرد، بلکه آن، را بعد از مدت زمان کوتاهی در (Collected Poems 1909-1935) مجموعه‌ی اشعار (۱۹۰۹-۱۹۳۵) منتشر کرد و در سال ۱۹۳۶، به چاپ رسانید (مورفی ۱۹۸).

نگاهی مختصر به تجزیه و تحلیل نقادانه‌ی کلام (CDA)

تجزیه و تحلیل نقادانه‌ی کلام برای بررسی و ارزیابی عقاید و افکار نهفته در کلام به کار می‌رود. وقتی نویسنده، سیاستمدار، و یا کسی که دسترسی به یکی از وسایل ارتباط جمعی مانند ماهواره، تلویزیون، رادیو، کتاب، مجلات، و روزنامه دارد، می‌تواند با به کارگیری آن، اندیشه‌ها و باورهای خویش یا گروه و سازمان مورد نظر خود را به جامعه و مردم القا نماید، در این حالت با استفاده از تجزیه و تحلیل نقادانه‌ی کلام (Critical Discourse Analysis) می‌توان بسیاری از

که می‌تواند مرتبط و یا بی‌ارتباط باشد قانع نمایند (رحیمی و صحراگرد ۳۹).

۲. تعمیم (generalization): افراد مختلف برای اثبات نظر و فکر خود کلمات، عبارت‌ها، و یا جملاتی را بیان می‌کنند که محدود به موضوع یا حالت خاصی است و یا دلیل کافی برای اثبات آن پیدا نشده است، ولی تا حدی قانع‌کننده است، سپس آن را به تمامی افراد، موضوع-ها، و حالت‌ها تعمیم می‌دهند و می‌گویند چون در آن موضوع اینگونه بوده است پس در تمامی موضوع‌های دیگر نیز همان‌طور است و با این استدلال به اثبات کلام‌شان می‌پردازند (ون دایک ۲۳).

۳. دو دستگی، گروه‌بندی ما - آنان (polarization, us-them categorization): در این تعریف مردم و افراد در جامعه و یا جهان به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه داخلی یا ما و گروه خارجی یا آنان. گروهی که اندیشه‌ها، نظرها، و عقاید حاکم بر جامعه را پذیرا هستند و دنبال می‌کنند، اینان افرادی "خوب" و "مثبت" هستند. آنان خود را مثبت معرفی می‌کنند که عبارت (positive self presentation) را برای آنان به کار می‌برند. گروه دیگر گروه آنان (them) است که با اندیشه‌ها، نظرها، و عقاید حاکم بر جامعه مخالف و یا تضاد دیدگاهی دارند. این افراد "بد" و "منفی" هستند. گروه اول این افراد را منفی معرفی می‌کنند و عبارت (negative other presentation) را درباره‌ی آنان به کار می‌برند (ون دایک ۲۴).

۴. ابهام (vagueness): کلمات، عبارت‌ها، و جملاتی که افراد و اشخاص یا نویسندگان به گونه‌ای بی‌کار می‌برند که واضح نیستند، چون اطلاعات کافی برای آن نداده‌اند، یا دقیقاً هدف خویش را بیان نکرده‌اند. این روش منجر به برداشت‌های گوناگون و متفاوت خواهد شد و از سوی دیگر می‌تواند مفاهیم دیگری را که مخالف یا موافق جو حاکم جامعه است از محتوای آن کلمات، عبارت‌ها، و جمله‌ها پیدا کرد (رحیمی و صحراگرد ۴۳).

ابهام تا پایان خط (۶۳) ادامه دارد؛ در این مرحله که مخاطب به بهت کامل و همه جانبه-ایی می‌رسد، ناگهان شاعر به بیان یکی از مهمترین نکات این شعر در بند بعدی می‌پردازد: ”در لحظه‌ی سکون جهان در حال تغییر. نه جسم و نه غیر آن؛ / نه از درون و نه به سوی آن؛ در لحظه‌ی سکون، آنجا رقص است / لیکن نه توقفی و نه حرکتی“ (۶۶-۶۴). می‌توان اینگونه بیان کرد که شاعر با مات و میبهوت کردن مخاطب خود و ایجاد سردرگمی در او، زمینه را برای یکی از نکته‌های اصلی شعر فراهم کرده است. او در این بخش به لحظه‌ی ساکن یا سکون لحظه اشاره می‌کند و این بحث را تا انتهای شعر جسته و گریخته مطرح می‌کند تا به هدف نهایی خود در آخر شعر برسد، و مخاطبانش را با خویش همراه سازد.

الیوت با مهم جلوه دادن لحظه‌ی حال و اکنون، سعی دارد که نگرش به جهان را با توجه به حسرت گذشته و خیال پردازی برای آینده کم رنگ و بی اثر نماید. به ویژه این نکته در بخش دوم شعر و قسمتهای دیگر که راجع به زمان گذشته و آینده صحبت می‌کند، جلوه‌ی بیشتری دارد. برای مثال خطوط (۸۶-۸۵) ”زمان پیشین و آینده / اجازه می‌دهند تنها کمی هوشیاری را“ این مساله را بیان می‌کند که در نگاه به گذشته و آینده آگاهی و هوشیاری وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، فقط محدود به مقدار کمی خواهد بود. پس تنها دریافتن زمان حال و درک آن و در نتیجه بهره‌گیری از آن مفید خواهد بود.

در بخش سوم شعر، شاعر دوباره با بهره‌گیری از تعمیم و استفاده از تپه‌های لندن به عنوان نمادی از جهان (آنچنان که انگلستان در قرن نوزدهم با قدرت استعماری خود بر بسیاری از قسمتهای جهان سیطره داشت)، و تسلط باد سردی که پیش و پس از زمان حاضر می‌وزد، این اندیشه را در ذهن مخاطب خود قرار می‌دهد که تنها با پرداختن به گذشته و آینده همه‌ی مسائل جهانی به نافرجامی و نابودی ختم خواهد شد:

انسان ها و تکه های کاغذ، دور خود می چرخند توسط باد سرد

که پیش و پس از زمان می وزد

باد درون و بیرون از ریه های ناسالم

زمان پیش و زمان پس از آن.

بادگلوئی روح های بیمار

در هوای محو شده، سستی ای

که می وزد در بادی که می روید تپه های غم بار لندن را،

همپستند و کلارکنول، کمپدن و پوتنی،

هایگیت، پریمورس و لادگیت (این نام های تپه های لندن است) ... (۱۱۵-۱۰۷)

در ادامه ی این بخش در بند دوم به کیفیت و حالت جهانی که پیش و پس از اکنون و

زمان حال است اشاره می کند، و آن را جهانی تاریک، تهیدست، بی احساس، خالی از تخیل،

با روحی بیمار معرفی می کند:

به پایین تر فرود آی، تنها فرود آی

در جهان خلوت دائمی،

جهان نه جهان، بلکه آن که جهان نیست،

تاریکی درونی، فقدان

تهیدستی همه ی اموال،

خشکی جهان احساس،

تخلیه ی جهان تخیل،

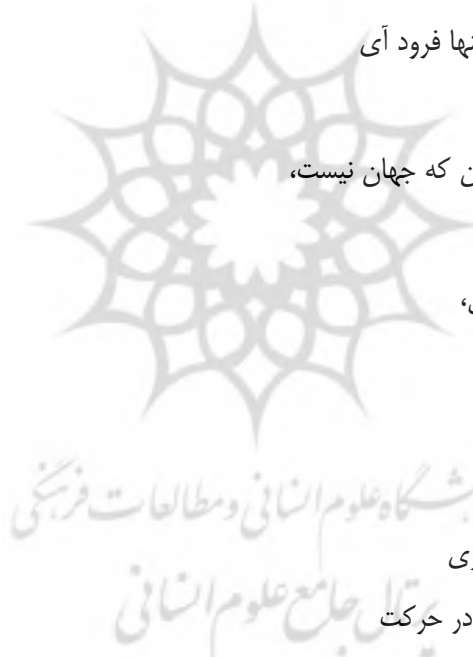
لاعالجی جهان روح؛

این راهی است، و دیگری

هم شبیه این است؛ نه در حرکت

بلکه امتناع از حرکت؛ در حالی که جهان حرکت می کند

با اشتیاق، روی راه های فلزیش



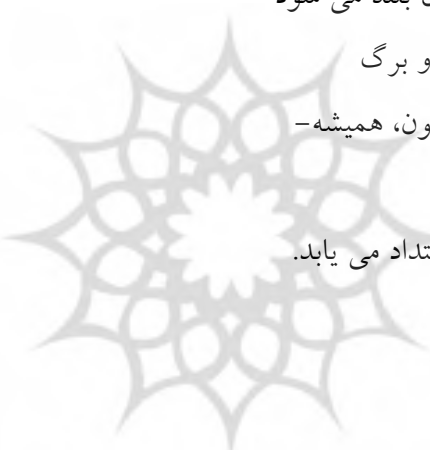
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژواک های دیگری
 در باغ مقیم اند. آیا آنها را دنبال خواهیم کرد؟
 پرنده سریع گفت، آنان را بیاب، آنان را بیاب،
 در آن گوشه. از میان اولین دروازه،
 به سوی اولین جهان مان، آیا فریب توکا را
 دنبال خواهیم کرد؟ به سوی اولین جهان مان،
 آنان آنجایند، با وقار، ناپیدا،
 روی برگ های بی جان، بدون فشار حرکت می کنند،
 در گرمای پاییزی، از میان هوایی پر شور،
 و پرنده خطاب می کند، در پاسخ به
 موسیقی ناشنیدنی پنهان در بوته زار،
 و پرتو نور نادیدنی، می گذرد، چون رزها
 به گل هایی که به آنها می نگرند، نظری انداخته اند.
 آنان آنجایند و چون میهمان ما را می پذیرند و پذیرفته می شوند.
 پس ما به راه می افتیم، و آنان، با حالت رسمی
 همراه با کوچه خالی، به سوی دایره صندوق وار،
 تا به درون استخر خشک بنگرند.
 استخر را خشک کن، بتون را خشک کن، لبه ی قهوه ای،
 و استخر با آب بی نور، و رز لوتوس، لبریز شد،
 به آرامی، به آرامی،
 سطح آب از میان قلب نور درخشید،
 و آنان پشت به ما، در استخر منعکس بودند.

نه انبوهی و نه خلا. تنها لرزشی
روی چهره های فرسوده از حرکت زمان
آشفته پریشانی از طریق پریشانی
سرشار از تخیلات و خالی از معنی
دل‌مردگی آماس کرده بدون تمرکز
انسان ها و تکه های کاغذ، دور خود می چرخند توسط باد سرد
که پیش و پس از زمان می وزد
باد درون و بیرون از ریه های ناسالم
زمان پیش و پس از آن.
باد گلو در روح های بیمار
در هوای محو شده، سستی ای
که می وزد در بادی که می روبد تپه های غمبار لندن را،
همپستد و کلارکنول، کمپدن و پوتنی،
هایگیت، پریمورس و لادگیت. نه اینجا،
تاریکی نه اینجا، در این جهان عصبی.
به پایین تر فرود آی، تنها فرود آی
در جهان خلوت دائمی،
جهان نه جهان، بلکه آن که جهان نیست،
تاریکی درونی، فقدان
تهیدستی همه اموال،
خشکی جهان احساس،
تخلیه جهان تخیل،

می تواند فقط بمیرد. کلمات، بعد از نطق، می رسند
 به سکوت. تنها با شکل، طرح، کلمات یا موسیقی می توانند برسند
 به سکون، آنچنان که پارچ چینی، ساکن
 در سکونش، دائما در حرکت است.
 نه سکون ویولن، در حالی که نت ادامه می یابد،
 نه تنها آن، بلکه همزیستی،
 یا بگو که پایان پیش از آغاز است،
 و پایان و آغاز همیشه آنچنانند
 پیش از آغاز و پس از پایان.
 و همه همیشه اکنون هستند. کلمات کشیده می شوند،
 ترک می خورند و گاهی می شکنند، زیر بار،
 زیر اضطراب، سُر می خورند، می لغزند، نابود می شوند،
 با بی دقتی می پوسند، در یکجا ثابت نخواهند ماند،
 ساکن نخواهند ماند. صداهای جیغ زن،
 ناسزاگو، ریشخند کننده، یا فقط پر حرف،
 همیشه به آنها می تازند. کلمه در بیابان
 توسط صداهای وسوسه بیشترین حملات را دید،
 سایه گریه کننده در رقص خاکسپاری،
 مرثیه رسا خیمایرای ۱ دل شکسته.
 جزئیات طرح، حرکت است،
 آنچنان که در شکل ده پله است.
 تمایل نیز خود حرکت است

نه در خواستش؛
عشق خود بی حرکت است،
تنها علت و پایان حرکت،
بی زمان، و ناخوشایند
به جز در بُعد زمان
در شکل محدود گرفتار شده
بین بودن و نبودن.
ناگهان در پرتو نور خورشید
حتی زمانی که گرد در حرکت است
آنجا صدای خنده پنهان بلند می شود
از بچه های لای شاخ و برگ
اکنون سریع، اینجا، اکنون، همیشه-
زمان غمگین زائد
پیش از و پس از آن امتداد می یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- 1- Cooper, John Xiros, The Cambridge Introduction to T. S. Eliot Cambridge: Cambridge University, 2006.
- 2- Donoghue, Denis, Words Alone The Poet T. S. Eliot US: Keystone Typesetting, Inc., 2000.
- 3- Eliot, T. S. Collected Poems (1909-1935). London: Faber and Faber, 1936.
- 4- Eliot, T. S. Four Quartets. London: Faber and Faber, 1943.
- 5- Ellis, Steve, The English Eliot Design, Language and Landscape in Four Quartets New York: Routledge, 1991.
- 6- Fairclough, N. Critical Discourse Analysis: the Critical Study of Language. London: Longman, 1995.
- 7- Hanief, Mohammad, The Dynamics of Criticism in T. S. Eliot Atlantic Publishers and Distributor, 1989.
- 8- Menand, Louis, Discovering Modernism T. S. Eliot and His Texts. Oxford: Oxford University Press, 2007.
- 9- Murphy, Russell Elliott, Critical Companion to T.S. Eliot: a literary reference to his life and work. New York: Facts on File Inc. 2007.
- 10- Oxford Advanced Learner's Dictionary, Oxford: Oxford University Press, 2006
- 11- Rahimi, Ali and Sahragard, Rahman, Critical Discourse Analysis. Tehran: Jungle publication, 2006.

12- Traversi, Derek, T. S. Eliot: The Longer Poems London: The Bodley Head Ltd.1976.

13- Van Dijk, T. A Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction. London: Sage Publications, 1997.

14- Wodak, R. "Critical linguistics and critical discourse analysis", in J. Verschueren, Handbook of Pragmatics. Amsterdam: Benjamin, 1996: pp. 207-210.

